



بسم الله الرحمن الرحيم

## در رابطه با لبنان نیز؛ یا جنگ یا تسلیم!

اکنون یک هفته تمام است که تقریباً تمام لبنان و خاصاً مناطق شیعه نشین آن ( که خاستگاه اجتماعی حزب موسوم به حزب الله است ) زیر بمباران هوایی و موشکی استعمار صهیونی قرار گرفته است . این بمبارانهای ویرانگر بعد از آن شروع شد که نیروهای حزب موسوم به حزب الله ، طی کمپینی ، چند تن از نیروهای صهیونی را کشته و دو تن را هم دستگیر کردند . لازم بذکر است که این حزب ، رسماً و علناً تحت رهبری علی خامنه‌ای فعالیت میکند ، و علناً عکس و تصویر او را بعنوان امام خود در اجتماعات و تظاهرات خود علم مینماید . حال این عملیات بعد از سالها توقف عملیات عسکری ( یعنی از عقب نشینی نیروهای صهیونی از بخشهایی از لبنان ) و بعد از به بن بست رسیدن مسئله نیروی هسته‌ای نظام ولایت مطلقه با دول غربی ، به احتمال بسیار قوی نمی تواند بدون اشاره نظام ولایت مطلقه و امامشان ( علی خامنه ای ) صورت گرفته باشد ، چرا که کار حزب موسوم به حزب الله ، یک تصمیم جنگی و خطرناک بوده ، و در صورت خودسر بودن آن ، یک طغیان و نافرمانی از امر ولی فقیه به حساب می آید . اما چونکه در واکنشها و موضعگیریهای نظام ولایت مطلقه ، نه تنها از بی وقتی این عملیات ، یا از سرزنش این حزب ، هیچ سخنی به میان نیامده ، بلکه بصورت کامل از آن پشتیبانی شده است ، در نتیجه ، اثر انگشت نظام ولایت مطلقه بیشتر نمایان میشود . **اما سؤال اساسی** اینست که چگونه نظام ولایت مطلقه ، که همیشه از درگیر شدن با غرب پرهیز نموده و حتی برای عدم وقوع آن ، سازشکاریها نموده ، به چنین کار خطیری مبادرت ورزیده است؟! جواب این سؤال مختصراً چنین است : بعد از اینکه دول ۱+۵ ( پنج عضو دائمی شورای امنیت به اضافه

دولت آلمان) در پاریس در ۲۲ تیر ماه به توافق رسیدند که پرونده هسته ای نظام ولایت مطلقه، بدلیل عدم پاسخگویی به بسته پیشنهادی دول غربی، باید به شورای امنیت باز گردد، نظام ولایت مطلقه خواسته که وسعت قدرت خود را عملاً به غرب نشان دهد!، و بعد دول غربی (به تصور رؤسای نظام ولایت مطلقه) ناچار می شوند برای توقف حملات نیروهای حزب موسوم به حزب الله، به نظام ولایت مطلقه متوسل شوند، و نظام ولایت مطلقه هم، تنها در مقابل گرفتن امتیازهایی از غرب، خصوصاً در رابطه با مسئله نیروی هسته ای، به درخواست دول غربی، جواب مثبت می دهد!، و شاید این تصور، از ضعفهای مفرط غرب در این چند ساله اخیر در رابطه با مقاومت سرسختانه مردم عراق و افغانستان بوجود آمده باشد. اما مثل اینکه این بار، آمریکا از این فرصت بدست آمده سود کامل جسته و چاهی را که نظام ولایت مطلقه برای آمریکا و غرب کنده بود، به چاهی برای نظام ولایت مطلقه تبدیل کرد، و یک عملیات کوچک را تبدیل به جنگی تمام عیار نمود، و در این میدان، هیچ رحمی هم به اقتصاد لبنان و مردم مدنی آن ننمود. بدین صورت، آمریکا خواست در یک مسئله ظاهراً غیر ایرانی! و نیز در مکانی غیر از ایران! با نظام ولایت مطلقه درگیر شود!، و بدین شیوه خواست که نظام ولایت مطلقه را در یک دو راهی بسیار سخت و دشوار قرار دهد، **به نحوی که:** اگر نظام ولایت مطلقه در این جنگ تمام عیار دخالت ننمود و صرفاً به جنگ تبلیغاتی اکتفا کرد، همانا که یک بال نظام ولایت مطلقه بسادگی از میان رفته است، و اگر هم عملاً و علناً از بال لبنانی اش دفاع نمود، همانا نظام ولایت مطلقه را روی یک مسئله ظاهراً غیر ایرانی و در مکانی غیر از ایران به جنگ کشانده است!، امری که نظام ولایت مطلقه را در مظان توسعه طلبی و امپراتوری سازی قرار می دهد، و مسئله هسته ای آن را نیز حساس تر میسازد، و از این طریق، هم مواضع غربی، متحد تر و شدید تر خواهد شد، و هم در نظر بسیاری از ایرانیان، موجه نمی نماید که نظام ولایت مطلقه بخاطر دفاع از حزب موسوم به حزب الله، با دول غربی وارد جنگ شود. اینست که نظام ولایت مطلقه، علیرغم سیاست بازیهایش، وارد یک میدان سخت دشواری شده است، چرا که هم سکوت و تسلیمش، شکست های دیگری را در پی خواهد داشت، و هم واکنش و دفاعش از بال لبنانی اش، هزینه سنگینی را برایش به دنبال خواهد آورد. بنابراین، اگر نظام ولایت مطلقه، ساکت و تسلیم شود، **اولاً** حزب

موسوم به حزب الله خلع سلاح و نیرویش متلاشی خواهد شد ، **ثانیا** بعد از خلع سلاح این حزب ، سوریه نیز محاصره شده و امکان اسقاط آن و یا تن دادن نظام استبدادی سوری به حد اکثر خیانتها ، عملی میشود . و بدین صورت ، فشار غرب بر نظام ولایت مطلقه بیشتر شده و محدوده حاکمیت این نظام تنگ تر میشود . **اما هزینه نظام ولایت مطلقه** در میدان مقابله و درگیری با آمریکا و صهیائیه در لبنان : با توجه اینکه نظام ولایت مطلقه ، هم دشمن مردم ایران است و هم به اندازه کافی مسلمین جهان را لعنت و تکفیرنموده و برضد آنها با غرب همکاریها و سازشکاریها و زد و بندها نموده است ، در نتیجه سقوط آن حتمی خواهد بود و کسی هم برایش اشکی نخواهد ریخت ، چرا که آنچه که یک دشمن واقعی باید مرتکب شود ، نظام ولایت مطلقه نسبت به مردم ایران و مسلمین جهان مرتکب شده است . بگذریم از اینکه کمتر کسی هم به دول استعمارگر غربی خیر مقدم خواهد گفت ، و داستان افغانستان و عراق هم مثال زنده آنست ، مگر اینکه دول غربی از مقاومت این دو کشور عبرت گرفته باشند و در رابطه با ایران به زور سلاح و تحمیل عمال دست نشانده متوسل نشوند ، چیزی که بسیار بعید است . البته زمان ثابت کرده ، و محتوای انظمه استبدادی نیز همین را اقتضا میکند ، که استبدادیان ، همه چیز را فدای حفظ قدرت استبدادی و مطلقه خود بر مردم کنند ، بنابر این ، بسیار بعید است که نظام ولایت مطلقه برای دفاع از بال لبنانی اش وارد درگیری با غرب شود ، و سازش و زد و بند تا سقوط و نابودی ، جان مایه نظامهای استبدادی است ، چرا که خودشان هم خوب میدانند که چقدر ناتوان و پوشالی هستند . اما سازش و زد و بند هم آنها را کفایت نخواهد کرد و بالاخره بعد از تحمل همه ذلت ها و امتیازدهی ها ، قدرت مطلقه و نامشروعشان توسط مردم یا قدرتهای زورپرست دیگر نابود میشود .

سازمان موحدین آزادیخواه ایران

۲۵ جمادی الثانی ۱۴۲۷ - ۳۰ تیر ماه ۱۳۸۵